



مدارس چهار چرخه

مدارس سیار، راهکاری برای آموزش عشایر در هند^۱

نویسنده: استلا پال^۲

ترجمه محمدمبین اسپروز



عشایری، ریشه در رومن‌های اروپای شرقی دارند. تا همین چند دهه پیش آن‌ها از جایی به جای دیگر می‌رفتند، گله‌داری می‌کردند و آذوقه‌شان را با گاری از یک جا به جای دیگر می‌بردند اما امروزه زندگی با ثبات‌تری را در پیش گرفته‌اند؛ تا حدی که برخی از آن‌ها خانه‌هایی با نشانی دائمی دارند. دولت هند، لامبادی‌ها را به‌عنوان یک طایفه به رسمیت شناخته است. در نتیجه، بنا به قانون اساسی هند، امتیازهایی چون سهمیه کار دولتی به آن‌ها تعلق می‌گیرد. با این حال، تحصیل در میان اکثر لامبادی‌ها موضوعی فراموش‌شده است و دلیل این امر، استقرار آن‌ها در مکان‌هایی دور از دسترس و نیز کم‌اهمیت بودن تحصیل در میان افراد این طایفه است.

برای خانواده‌ی گود نیز، این چرخه‌ی سواد بی‌سواد قرن‌ها ادامه داشته است؛ تا اینکه یک روز مدرسه‌ی سیار به روستای پیچارا، در جنوب هند که محل سکونت آن‌هاست، رسید. پس از یک گفت‌وگوی غیررسمی میان معلم و بزرگان خانواده، رنوکا سوار اتوبوس شد تا سفرش را در مدرسه‌ی سیار آغاز کند.

این مدرسه که به کوشش کلوپ روتری هانامکندا^۳ تأسیس شده است، کودکان را در اتوبوسی که دستگاه تهویه دارد و پر

رنوکا گود، دختری عشایری از طایفه لامبادی در پیچارای هند، برخلاف اکثر نوجوانان دوازده ساله، تعطیلات تابستانی مدرسه را دوست ندارد. او می‌گوید: «مدرسه رفتن را حتی بیشتر از بازی کردن با دوستانم دوست دارم.» از حالت غمگین چشم‌هایش مشخص است که چقدر دلش برای مدرسه تنگ شده است. اشتیاق او شاید به این دلیل باشد که در مدرسه‌ای با ساختمانی معمولی درس نمی‌خواند و هر روز با اتوبوس مدرسه به کلاس نمی‌رود. در حقیقت، مدرسه‌ی او اتوبوس زرد بزرگی به نام «مدرسه سیار» است که روستا به روستا می‌گردد و آموزش را به خانه‌های کودکانی می‌برد که از امکان رفتن به مدارس رسمی محروم‌اند. کالابای گود، مادر رنوکا، با غرور به دخترش نگاه می‌کند و می‌گوید: «به هیچ چیز جز مدرسه فکر نمی‌کند. حتی در خواب هم از مدرسه حرف می‌زند!»، برای خانواده‌ی گود این اتفاق جدیدی است. مادر رنوکا هیچ‌وقت به مدرسه نرفته است. در حقیقت، در تاریخ این خانواده هیچ‌کس حتی خواندن و نوشتن بلد نبوده است.

در طول قرن‌ها، کوچ‌نشینی همواره بخشی جدا نشدنی از فرهنگ لامبادی‌ها بوده است. بسیاری معتقدند که این طایفه



می‌کنند، به دلیل مسئولیت‌هایی که در خانه دارند، نمی‌توانند به مدرسه بروند. او می‌گوید: «از آنجا که مشاغل افرادی که در خیابان و زاغه‌ها زندگی می‌کنند بسیار کم‌درآمد است، همه باید برای گذران زندگی کار کنند؛ وقتی والدین به دنبال کار می‌روند، کودکان سرپرست خانواده می‌شوند. آن‌ها باید از خواهران و

وقتی والدین به دنبال کار می‌روند، کودکان سرپرست خانواده می‌شوند. با این حساب، دیگر هیچ وقتی برای رفتن به مدرسه ندارند. هدف ایجاد مدارس سیار آموزش همین کودکان بوده است. مدارس سیار آموزش را برای این کودکان و خیابان‌ها و زاغه‌ها می‌آورند تا آن‌ها بدون ترک خانه‌هایشان، بتوانند آموزش ببینند

برادران کوچک‌ترشان مراقبت کنند، آب آشامیدنی به‌دست آورند و مراقب اموال خانواده باشند. با این حساب، دیگر هیچ وقتی برای رفتن به مدرسه ندارند. هدف ایجاد مدارس سیار آموزش همین کودکان بوده است. مدارس سیار آموزش را برای این کودکان به خیابان و زاغه‌ها می‌آورند تا آن‌ها بدون ترک خانه‌هایشان، بتوانند آموزش ببینند»

راه‌اندازی مدارس سیار برای طایفه‌های عشایری در سال ۲۰۰۷ آغاز شد. با حمایت مالی یونیسف در آن سال، دولت ژابوآ، منطقه‌ای بومی در مرکز هند، ۲۲ مدرسه سیار را راه‌اندازی کرد. هدف، خانواده‌های عشایری بود که مانند خانواده لامبادی، بسیار کوچ می‌کردند و کودکانشان امکان رفتن به مدارس رسمی را نداشتند. این مدارس به چادرهایی می‌رفتند که خانه موقت این خانواده‌های کوچ‌نشین بود. سپس، معلم‌ها برخی از چادرها را به کلاس تبدیل می‌کردند و به کودکان، که بسیاری از آن‌ها به دلیل

کوچ کردن مدرسه قبلی خود را رها کرده بودند، آموزش‌های اولیه می‌دادند. با اینکه این طرح دیگر در حال اجرا نیست، تجربه موفق یونیسف باعث شد که در سال ۲۰۰۸ در ایالت آندراپرادش^۷ نیز مدارس سیار راه‌اندازی شوند. **آنیل کومار پتلاوات**، مشاور و استاد معیشت در حیدرآباد، خود از عشایر لامبادی است. او معتقد است مدارس سیار برای لامبادی‌ها به دلایل مختلف جذابیت دارد: «خانواده‌های لامبادی به سه دلیل جذب مدارس سیار می‌شوند؛ اول اینکه در نظام رسمی مدارس، دانش‌آموز برای انجام دادن تکالیف به کمک و حمایت نیاز دارد. با توجه به اینکه

از ابزار آموزشی و تفریحی است، مستقر می‌کند. در این اتوبوس کتاب‌های درسی، کتاب‌های مصور، پوستر، نقشه و حتی لوح‌های فشرده موجود است. علاوه بر این، دانش‌آموزان به اسباب‌بازی‌ها و وسایل ورزشی مانند توپ، لوازم کریکت، راکت‌های بدمینتون، بازی‌های تخته‌ای و سرسره دسترسی دارند. رنوگا، تلویزیون بزرگ مدرسه را بیشتر از بقیه چیزها دوست دارد. در مدرسه سیار، آموزش از طریق ابزارهای صوتی و تصویری صورت می‌گیرد.

تنها طی دو ماه از شروع به کار این مدرسه، ۸۴ روستا تحت پوشش قرار گرفته‌اند. این مدرسه هر روز به دو تا سه روستا سر می‌زند و بین سه تا چهار ساعت در هر روستا صرف آموزش کودکان، تعامل با جامعه و بحث در مورد اهمیت آموزش می‌شود.

خانم سریدیو، یکی از معلم‌های این مدرسه، معتقد است این برنامه طیف وسیعی از مخاطبان را شامل می‌شود. او می‌گوید: «ما برای تمام بچه‌ها، در سنین مختلف فقط یک کلاس مشترک تشکیل می‌دهیم. برای همین، به آن‌ها موضوعاتی را آموزش می‌دهیم که برای همه مفید باشد: الفبا، اعداد، علوم ساده و غیره... برنامه درسی ما به دروس مدرسه محدود نمی‌شود و به آن‌ها در مورد حقوق کودکان، بهداشت و سلامتی نیز آموزش‌هایی ارائه می‌کنیم.» معلم‌ها برای انتقال مطلب به دانش‌آموزان، سعی می‌کنند تا حد ممکن خلاق باشند. او می‌گوید: «چون آن‌ها فقط چند ساعت در هفته به کلاس می‌آیند، باید مطمئن شویم که آنچه را می‌آموزند، فراموش نمی‌کنند. به همین دلیل، از لوح‌های فشرده استفاده می‌کنیم و می‌دانیم آن‌ها تا چند روز بعد هم تجربه‌شان را برای دوستان و خانواده تعریف می‌کنند.»

از مدارس سیار ابتدا به‌عنوان راهکاری برای کودکان زاغه‌نشین استفاده شده بود و اکنون گاهی تحصیل را برای اولین بار، برای خانواده‌های عشایری به ارمغان می‌آورد. بسیاری از نهادهای دولتی و غیردولتی، مدارس اتوبوسی را راه‌اندازی کرده‌اند و این مدارس به دلیل انعطاف‌پذیری و غیررسمی و رایگان بودن، مورد توجه انجمن‌های عشایری قرار گرفته‌اند. کودکان آموزش‌های ابتدایی مانند خواندن و نوشتن و بهداشت دریافت می‌کنند و والدین آن‌ها نیز به همین واسطه آموزش می‌بینند.

هنوز کودکان بسیاری تحت پوشش این طرح قرار نگرفته‌اند اما مسئولان این طرح معتقدند که مدارس سیار، انقلابی در آموزش مناطق روستایی به پا خواهند کرد.

براساس آمار یونیسف، آمار سواد در هند برای افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله، در آقایان ۸۸ درصد و در خانم‌ها ۷۴ درصد است و نسبت حضور در مدارس ابتدایی ۸۵ درصد برای پسران و ۸۱ درصد برای دختران است.

در هند، آموزش غیررسمی از طریق مدارس سیار، موضوع جدیدی نیست. در سال ۱۹۹۸ میلادی در بمبئی، یک مؤسسه غیردولتی اولین مدرسه سیار را برای کودکان مستضعف شهر راه‌اندازی کرد. **ایندرانی روی**، که فیلم مستندی در این باره ساخته، معتقد است کودکانی که در خانواده‌های کم‌درآمد زندگی



اکثر خانواده‌های لامبادی بی‌سوادند، شیوه نامتعارف آموزش در مدارس سیار کارکرد بهتری دارد؛ زیرا دانش آموز همه چیز را در مدرسه می‌آموزد. دوم اینکه خانواده‌ها دیگر نگران فرستادن بچه‌ها به مدرسه نیستند، یا اینکه پس از هر بار کوچ کردن نیازی نیست به دنبال انتقال آن‌ها یا پیدا کردن یک مدرسه جدید باشند. در آخر اینکه مدرسه غیررسمی، با زندگی لامبادی‌ها که در دل طبیعت زندگی می‌کنند و شیوه ارتباط مستقیم را به نظام پیچیده اداری ترجیح می‌دهند، بسیار همسواست.»

سارانیا نئیک^۱ یک پسر هشت ساله لامبادی است. او سه سال پیش به همراه والدینش که به دنبال کار بودند، به شهر آمده است. والدین او اکنون کارگر ساختمانی هستند. آن‌ها خانه‌ای در شهر ندارند و برای همین، در نزدیکی محل کارشان در چادر زندگی می‌کنند. وقتی کار یک ساختمان پایان می‌یابد، آن‌ها به نزدیکی ساختمان دیگری نقل مکان می‌کنند. همین موضوع رفتن به مدرسه رسمی را برای سارانیا غیرممکن می‌کرد اما وجود یک مدرسه سیار دولتی باعث شده است او بتواند در شش ماه گذشته به مدرسه برود.

نهاد کارگران شهر فهرستی از پروژه‌های ساختمانی را به مدرسه سیار می‌دهد؛ مدرسه هر روز به تمام این نقاط سر می‌زند و چندین ساعت در هر نقطه می‌ماند و از این طریق به کودکان ۸ تا ۱۲ ساله کارگران آموزش‌های ابتدایی را می‌دهد. **سارانیا** که همیشه آرزو داشت بتواند بازیکن کریکت شود، می‌گوید به این دلیل به مدرسه سیار رفته که در آنجا توپ و راکت کریکت بوده است اما حالا از کتاب خواندن، نقاشی کشیدن و ریاضی هم لذت می‌برد. او می‌گوید بی‌صبرانه منتظر است تا به روستایشان برگردد و مهارت خود در خواندن و نوشتن را که به تازگی یاد گرفته است، به دوستان و اقوامش نشان دهد. او می‌گوید: «می‌خواهم هر چه را در مدرسه یاد گرفته‌ام، به دیگران بگویم؛ الفبا، ریتم و روش خواندن ساعت.» البته موضوعات ابتدایی تنها چیزی نیست که او آموخته است. او اطلاعات مهم دیگری هم به دست آورده است؛ از جمله نکات بهداشتی را آموخته و مشتاق است آن‌ها را با سایرین در میان بگذارد. سارانیا با هیجان می‌گوید: «می‌خواهم به آن‌ها بگویم قبل از غذا خوردن باید دست‌هایشان را بشویند.»

مدارس سیار نه تنها به کودکان آموزش می‌دهند بلکه به بزرگسالان نیز چیزهایی می‌آموزند. یکی از مسئولان دولتی که در راهاندازی مدارس سیار نقش داشته است می‌گوید: ریش سفیدان از مدارس سیار استقبال می‌کنند و گاه خودشان هم آموزش



می‌بینند. مدثر علی هم، که معلمی مسلمان در غرب هند است، با این نظر موافق است. سه سال پیش مدرسه‌ای که علی معلم آن بود، برنامه‌ای به نام آموزش از طریق ویدئو را آغاز کرد. ویدئوها در خود روستاها ضبط می‌شدند و موضوع آن‌ها مسائلی بود که یادگیری‌شان برای کودکان دشوار بود. این برنامه بلافاصله مورد استقبال گسترده دانش آموزان و والدین، به خصوص مناطق عشایری، قرار گرفت. در روستای علی، عشایر بسیاری زندگی می‌کنند. او می‌گوید: «اینکه مدرسه‌ای از طریق فیلم به بچه‌ها آموزش می‌دهد برای آن‌ها بسیار شگفت‌انگیز بود و این باعث شد آن‌ها بچه‌هایشان را به مدرسه ما بفرستند. حتی، بعضی اوقات در حین ضبط ویدئو برخی از والدین می‌خواستند در فیلم ما بازی کنند. آن‌ها می‌گفتند این کار باعث می‌شود چیزهایی یاد بگیرند.»

به جز شیوه معمول آموزش و در دسترس بودن، عشایر دلیل دیگری نیز برای دوست داشتن مدارس سیار دارند: این مدارس رایگان‌اند. اکثر خانواده‌های عشایری در فقر زندگی می‌کنند و کارهایی با درآمد کم مانند دست‌فروشی، چوپانی یا کشاورزی دارند. در بسیاری از خانواده‌ها، کودکان وقتی به ۱۴ سالگی می‌رسند به عنوان کارگر در مزرعه مشغول کار می‌شوند تا به درآمد خانواده کمک کنند.

رنوکا نیز پیش از اینکه به مدرسه سیار برود، همراه مادرش در مزرعه پنبه کار می‌کرد تا اینکه معلم به والدین او توضیح داد که کار کردن کودکان خلاف قانون است، اما هنوز هم کودکان بسیاری هستند که به جای ثبت‌نام در مدرسه، به سمت بازار کار می‌روند. **سمیر کومار**^۲، که در یک مؤسسه خیریه غیردولتی کار می‌کند و به همراه کلوب روتاری، مدرسه سیاری را که رنوکا در آن درس می‌خواند راه‌اندازی کرده است، می‌گوید: «هنوز صدها کودک مانند رنوکا هستند که به جای مدرسه رفتن در مزارع پنبه کار می‌کنند.» اما کومار بسیار خوش بین است. او معتقد است مدارس به مرور در حال تبدیل شدن به جنبشی است که آموزش را در مناطق روستایی و به خصوص برای عشایر، تغییر خواهد داد. او می‌گوید: «ما نقشه‌ای از ۷۹۸۰ روستا، برای آموزش توسط مدارس سیارمان تهیه کرده‌ایم و تاکنون، حمایت گسترده‌ای از طرف عشایر دریافت کرده‌ایم.»

* بی‌نوشت‌ها

1. Schools on Wheels Bring Education to Gypsies in Rural India این مقاله در سپتامبر ۲۰۱۲ در مجله برخط Global Press Journal منتشر شده است
2. Stella Paul
3. Rotary Club of Hanamkonda
4. Sridevi
5. Indrani Roy
6. Zhabua
7. Andhra Pradesh
8. Saranya Nail
9. Sameer Kumar